

تحلیل تطبیقی طوفان نوح در تورات و قرآن

جلیل پروین *

محمدعلی مهدوی راد **

فریبا شجاعی ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

چکیده

یکی از قصه‌های مشترک در تورات و قرآن کریم، قصه طوفان نوح علیه‌السلام است. با این حال، در آن دو، گستره این عذاب از حیث جهانی یا منطقه‌ای بودن طوفان، دامنه هلاک‌شوندگان و نجات‌یافتگان به شکل متفاوتی انعکاس یافته است. همچنین، مبانی الهیاتی، اخلاقی و عقلی این داستان در تورات متفاوت از قرآن است. تورات گستره عذاب را به صراحت شامل کل کره زمین و شامل همه موجودات روی زمین معرفی می‌کند در حالی که مفسران قرآن در این مورد اختلاف دیدگاه دارند. برخی مفسران از عالم‌گیر بودن طوفان و برخی دیگر از محلی بودن آن دفاع کرده‌اند. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است، پس از نقل و نقد دیدگاه تورات و نیز تحلیل اهم آراء مفسران و بیان دلایل قرآنی، روایی و عقلی هر دیدگاه، به نقد نگره جهانی بودن طوفان پرداخته شده است و نهایتاً از محلی بودن طوفان، دفاع شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تورات، گستره عذاب، قوم نوح، طوفان نوح.

* استادیار و مدیر گروه معارف قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث. Jalilparvin@yahoo.com

** دانشیار گروه معارف، دانشگاه قرآن و حدیث. Mahdavidrad@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسؤول). Shojaee720@yahoo.com

مقدمه

طوفان نوح علیه السلام واقعیتی انکارناپذیر است؛ چراکه علاوه بر عقیده پیروان ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، این داستان در افسانه‌ها و اساطیر اقوام و ملل مختلف جهان نیز از جایگاه خاصی برخوردار بوده است (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۸۱). با این حال، درباره ماهیت و جزئیات آن بیش از شش صد نوع مختلف افسانه و داستان در میان اقوام و ملل باستانی رواج دارد که در چهارگوشه دنیا نسل به نسل به ارث رسیده است (چارلز برلیتز، ۱۳۷۱: ۱۶۲؛ عبدالرزاق الراوی، ۲۰۱۱: ۴۰-۱۳۰).

یکی از پرسش‌های اساسی درباره طوفان نوح، بحث گستره عذاب است. آیا طوفان کل کره زمین یا بخشی از آن را فرا گرفت؟ گستره هلاک‌شوندگان و گستره نجات‌یافتگان چه بود؟ قصه نوح کتب و مقالات فراوانی را به خود اختصاص داده است. به عنوان مثال، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و رشیدرضا در المنار و عبدالرزاق الراوی در کتابش و حسینی در مقاله «طوفان نوح از نظر تورات و قرآن مجید» و سحابی در مقاله خود با عنوان «توفان نوح در اساطیر بین‌النهرین و تورات» به مقایسه کلی این داستان در تورات و قرآن و اساطیر پرداختند؛ اما نوشته‌ای جامع و مستقل که به صورت مقایسه نقادانه به گستره عذاب پردازد وجود ندارد. رسالت پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده، تحلیل و مقایسه دیدگاه قرآن کریم و تورات درباره گستره عذاب قوم نوح و نیز نقل و نقد اهم آرای مفسران است تا از این رهگذر، سره از ناسره و واقعیت از خرافه تمییز داده شود. برای رسیدن به این هدف، این مقاله در چهار محور سامان یافته است: ۱.

نقل و نقد دیدگاه تورات؛ ۲. نقل اجمالی دیدگاه قرآن کریم؛ ۳. تحلیل اهم آرای مفسران و نقل و نقد نگره جهانی بودن طوفان؛ ۴. دفاع از دیدگاه برگزیده.

۱. دیدگاه تورات در مورد گستره عذاب قوم نوح موارد زیر گستره هلاک‌شوندگان، نجات‌یافتگان و گستره طوفان را از نظر تورات روشن می‌نماید:

گستره هلاک‌شوندگان

تورات به صراحت از هلاک تمام جانداران روی زمین اعم از انسان‌ها، حیوانات و ... سخن می‌گوید:

- خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت و خداوند گفت: انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم... (پیدایش، ۶/۷ و ۷).

- بعد از هفت روز دیگر، چهل روز و چهل شب باران می‌بارانم و هر موجودی را که ساختم، از روی زمین محو می‌سازم (پیدایش، ۴/۷).

گستره نجات‌یافتگان

نجات‌یافتگان از دیدگاه تورات عبارت‌اند از: یک جفت از همه جانداران و از میان انسان‌ها صرفاً خانواده نوح علیه السلام:

- خداوند به نوح گفت: تو و تمامی اهل خانهات به کشتی درآیید، زیرا تو را در این عصر به حضور خود عادل دیدم و از همه بهایم پاک، هفت هفت، نر و ماده با خود بگیر و از بهایم ناپاک، دودو، نر و ماده و از پرندگان آسمان نیز هفت هفت، نر و ماده را تا نسلی بر روی تمام زمین نگاه داری (پیدایش، ۳/۷-۱).

یافت و کوه‌ها مستور گردید (پیدایش، ۷/۲۰-۱۷).

نقد تورات

الف) ناسازگاری‌های درونی

أ. ناسازگاری در تعداد حیوانات

در تورات در مورد تعداد حیواناتی که وارد کشتی شدند دو بیان متفاوت آمده است: در یک جا (پیدایش، ۶/۲۰-۱۸) ذکر می‌شود دو دو از حیوانات به کشتی آورده شود و جایی دیگر (پیدایش، ۷/۳-۱): هفت هفت، نر و ماده با خود بگیر و از بهایم ناپاک، دودو، نر و ماده. آنگاه باید پرسید که خداوند نوح را به هفت جفت فرمان داد یا یک جفت؟

ب- ناسازگاری با دیگر اعتقاد یهودی‌ها

در نگاشته‌های خاخامی اشاراتی به این امر دیده می‌شود که: «هستی ابتدایی جهان از صهیون آغاز شد و آفرینش آدم در اورشلیم سامان یافت. آنگاه مدعی هستند که سرزمین فلسطین بلندتر از دیگر مناطق است، چنان‌که بر این باورند که در واقعه طوفان، خروش آب هرگز آنجا را فرا نگرفت، درعین حال در نصوص دیگر بر این امر تأکید شده است که شهر اورشلیم و کوه صهیون به‌خودی‌خود از آن طوفان بزرگ برکنار ماندند» (بیومی ۱۳۸۳: ۵۱/۴). این مطلب با آنچه در تورات مبنی بر عالم‌گیر بودن طوفان است که در سفر پیدایش (۷/۲۰-۱۷، ۴؛ ۱۷/۶) ذکر شده، ناسازگار است.

ب) ناسازگاری‌های عقلی

أ. اندازه کشتی و تعداد حیوانات

براساس اندازه‌هایی که از کشتی در سفر پیدایش (۶/

... از بهایم پاک و از بهایم ناپاک و از پرندگان و از همه حشرات زمین، دودو، نر و ماده، نزد نوح به کشتی درآمدند... (پیدایش، ۷/۹-۷).

- در سال شش‌صد از زندگانی نوح، در روز هفدهم از ماه دوم، در همان روز جمیع چشمه‌های لجه عظیم شکافته شد و روزن‌های آسمان گشوده؛ و باران، چهل روز و چهل شب بر روی زمین می‌بارید. در همان روز نوح و پسرانش، سام و حام و یافث و زوجه نوح و سه زوجه پسرانش، با ایشان داخل کشتی شدند (پیدایش، ۷/۱۱-۱۳)

- و خدا گفت: ... هنگامی‌که ابر را بالای زمین گسترانم و قوس در ابر ظاهر شود، آنگاه عهد خود را که در میان من و شما و همه جانوران ذی جسد می‌باشد، به یاد خواهم آورد؛ و آب طوفان دیگر نخواهد بود تا هر ذی جسدی را هلاک کند... (پیدایش، ۹/۱۶-۱۲).

گستره طوفان

گزاره‌های زیر به‌صراحت نشان می‌دهد که براساس تورات، طوفان نوح، عذابی فراگیر بوده و کل کره زمین را فراگرفته است:

- آن را بدین ترکیب بساز که طول کشتی سیصد ذراع باشد و عرضش پنجاه ذراع و ارتفاع آن سی ذراع. ... زیرا اینک من طوفان آب را بر زمین می‌آورم تا هر جسدی را که روح حیات در آن باشد، از زیر آسمان هلاک گردانم... (پیدایش، ۶/۱۷-۱۵).

- طوفان چهل روز بر زمین می‌آمد و آب همی افزود و کشتی را برداشت که از زمین بلند شد؛ و آب غلبه یافته... تا آنکه همه کوه‌های بلند که زیر تمامی آسمان‌ها بود، مستور شد. پانزده ذراع بالاتر، آب غلبه

در تورات آمده است که آب ۱۵ ذراع بالاتر از قله کوه‌ها را نیز فراگرفت (پیدایش، ۷/۲۰-۱۷). ولتر نویسنده و منتقد فرانسوی در این مورد می‌گوید: «این مقدار از آب انبوه در سطح زمین باید دوازده دریا هر یک به اندازه اقیانوس آتلانتیک را در طبقه اول تشکیل داده باشد و سطح دوم آب باید ۲۴ برابر سطح اول بوده باشد تا بتواند کوه‌های بلند را بپوشاند.» (معرفت، ۱۳۸۵: ۵۳)

ج) ناسازگاری با مبانی الهیاتی

ا. پشیمانی خدا از طوفان

در تورات آمده است خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخت و در دل خود محزون گشت (پیدایش، ۶/۶ و ۷). پشیمانی از صفات انسان‌هاست که علم به آینده ندارند در حالی که خالق و خداوند منزه از پشیمانی است چون علمش ثابت و افعالش حکیمانه و دارای اهداف عالی است (نساء/۲۴).

ب. رنگین کمان وسیله یادآوری خدا

رنگین کمان در آسمان وسیله‌ای است که به یاد خدا می‌آورد که هرگز طوفان برپا نکند (پیدایش، ۹/۱۶). خداوند منزه از فراموشی است؛ و هیچ چیز از خداوند پوشیده نیست (بقره/۲۸۲).

منبع داستان طوفان

دانشمندانی از قبیل لئونارد وولی، آدولف لودز، استانیل کوک، جورج بارتون، جاک فینجان، بانگر ویل دورانت و جیمز فریزر هم داستان‌اند که قصه طوفان چنان که در تورات آمده یک قصه اصیل عبری نیست بلکه می‌گویند

۱۷-۱۵) آمده است: طول آن ۳۰۰ ذراع، عرضش ۵۰ ذراع و ارتفاع آن ۳۰ ذراع؛ چگونه این کشتی قادر بوده است ۲۱۰۰۰ نوع حیوان را در خود جا دهد تازه از این انواع بعضی جفت و بعضی هفت جفت ذکر شده است. دانشمندان می‌گویند انواع حیوانات الآن بر روی زمین ۱۰۷۲۰۰۰ است و اجداد این حیوانات وقت طوفان ۲۱۰۰۰ نوع حیوان بوده و این عدد غیر از حیوانات دریایی است برای اینکه آنها نیاز نبوده داخل کشتی باشند (فقیه، ۲۰۰۷: ۱۰۵). چگونه می‌شود این تعداد از حیوانات را در این حجم کشتی جا داد؟ آیا نوح علیه‌السلام توانسته پیش از طوفان برای حدود ۲۱۰۰۰ نوع حیوان غذاهای مورد نیازشان را جمع‌آوری کند؟

ب. مشقت‌های غذا دادن به حیوانات

در تورات آمده است که همه حیوانات، حشرات و... یا جفت یا هفت جفت وارد کشتی شدند. عبدالرزاق این مطلب را نقد کرده می‌گوید نوح و خانواده‌اش که براساس تورات هشت نفر بوده‌اند (پیدایش، ۷/۱۱-۱۳) چگونه توانستند به همه حیوانات در مدت ۳۷۰ روز غذا بدهند؟ (عبدالرزاق، ۲۰۱۱: ۱۲۱) در سفر پیدایش (۷/۱۱) شروع طوفان در سال شش صد از زندگانی نوح، در روز هفدهم از ماه دوم دانسته و پایان طوفان و خشک شدن زمین (پیدایش ۸/۱۳) در سال شش صد و یکم و در روز بیست و هفتم از ماه دوم ذکر شده است.

ج. غیرممکن بودن بالا آمدن آب تا ۱۵ ذراع بالاتر از د. سطح کوه‌های بلند

می‌دانند؛ یا نسبت به کسانی که در کشتی بودند یعنی ذریه او باقی ماند نه ذریه کسانی که با او در کشتی بودند و این مستلزم عدم بقاء ذریه افرادی که با او نبودند و در اقطار دوردست که دعوت به آنها نرسیده نمی‌شود. یا حصر نسبت به غرق‌شدگان است؛ یعنی ذریه او تنها باقی ماند نه ذریه غیر آنها از غرق‌شدگان (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹۶-۹۵/۱۲). برخی روایات نیز معنای نسبی بودن را تأیید می‌کنند: منظور خداوند از این آیه این است که حق و نبوت و کتاب آسمانی و ایمان در دودمان نوح باقی ماند ولی تمام کسانی که از فرزندان آدم در روی زمین زندگی می‌کنند از اولاد نوح نیستند (قمی، ۱۳۸۸: ۲۲۳/۲). به این ترتیب آنچه درباره منتهی شدن تمام نژادهای روی زمین به فرزندان نوح مشهور است، ثابت نیست.

گستره هلاک‌شوندگان

- ... لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ (هود/۳۷).

- قَالَ سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ... (هود/۴۳).

- وَ نَصَرْنَا هُم مِّنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ... (انبیاء/۷۷).

- مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا ... (نوح/۲۵).

براساس آیات ذکر شده ظالمان، کافران، تکذیب‌کنندگان آیات و پسر نوح به دلیل خطاهایشان غرق شدند.

گستره طوفان

- وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ... (هود/۴۴).

- وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ

اسرائیلیان آن را از بین‌النهرین گرفته‌اند (بیومی، ۱۳۸۳: ۵۶). بنا بر رأی راجح، عهد قدیم برای نخستین بار در بابل جمع‌آوری شده است. دانشمندان از تأثیر ادبیات بابلی در تورات دلایل بسیاری ارائه می‌دهند. دو روایت سومری و بابلی که از دیرزمان و از طریق منابع سومری و سامی، در تمامی سرزمین‌های خاور نزدیک و قدیم منتشر بود، به میان بنی‌اسرائیل راه یافت (همان: ۵۷). درواقع می‌توان گفت (براساس مقایسه تورات و اسطوره‌های بابلی و سومری که توسط عبدالرزاق الراوی، ۲۰۱۱: ۴۰، ۱۳۰؛ حسینی، ۱۳۷۹: ۱۶۵، ۱۸۲ صورت گرفته است) که داستان طوفان در تورات با اسطوره‌هایی که بین سومری‌ها و بابلی‌ها رایج بود ممزوج شده و به همین خاطر این ناسازگاری‌ها در آن دیده می‌شود.

۲. دیدگاه قرآن در مورد طوفان نوح

برخی آیات در مورد گستره عذاب، گستره نجات‌یافتگان و گستره هلاک‌شوندگان ذکر می‌شود تا نظر قرآن کریم در این باره استخراج شود.

گستره نجات‌یافتگان

- فَنجِیْنَاهُ وَّ مَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ ... (یونس/۷۳).

- ... قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ مِّنْ اثْنَيْنِ... (هود/۴۰).

- ... فَنجِیْنَاهُ وَّ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (انبیاء/۷۶).

- وَ جَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (صافات/۷۷).

درباره حصر در آیه ۷۷ صافات دیدگاه‌ها متفاوت است برخی می‌گویند: دلالت می‌کند بر اینکه غیر از نوح و ذریه‌اش همه نابود شدند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۳۹/۲۶). برخی حصر در آیه را نسبی

دیارا (نوح/۲۶).

نوح علیه السلام می‌گوید: «خداوند ضمن منت‌هایی که بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نهاده می‌فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَم...﴾» (شوری/۱۳) مقام منت‌گذاری اقتضا دارد که شرایع الهی نازل شده بر کل بشر، همین شرایع باشد و اولین شریعتی که نام برده شریعت نوح بوده و اگر شریعت نوح برای عموم بشر نمی‌بود بلکه مختص به مردم زمان آن حضرت بود یکی از این دو محذور پیش می‌آمد: یا اینکه پیغمبر دیگری دارای شریعت برای غیر قوم نوح وجود داشته، یا اینکه خدای سبحان غیر قوم نوح، اقوامی که در زمان آن جناب بودند و بعد از آن جناب تا مدت‌ها می‌آمده و می‌رفته‌اند مهمل گذاشته و آنان را هدایت ننموده است و هیچ‌یک از این دو محذور را نمی‌توان ملتزم شد. پس معلوم شد که نبوت نوح علیه‌السلام عمومی بوده» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۹۳/۱۰).

ارزیابی: علامه طباطبایی از ذکر شریعت برای حضرت نوح، جهانی بودن شریعت و ارسال دعوت برای همه مردم در زمان حضرت نوح و عمومیت عذاب الهی را نتیجه می‌گیرد. درحالی‌که «اگر جهانی بودن شریعت را به معنای لزوم ابلاغ پیام الهی به همه نقاط بگیریم، این امر به‌راحتی تحقق‌پذیر نبوده است؛ ولی اگر جهانی بودن را به معنای اعتبار یک آیین در کل جهان آن روز تا پیدا شدن دین جدید بدانیم، این امر تحقق‌پذیر بوده است، اگرچه توسط پیامبران مبعوث شده دیگر، در مناطق مختلف باشد» (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). بنابراین «جهانی بودن شریعت» با «ابلاغ پیام الهی» به همه مردم در گوشه‌گوشه کره زمین دو مطلب است که نباید خلط شود حتی در زمان پیامبر اکرم که

براساس این آیات عذاب الهی ارض را در برگرفت. منظور از ارض چیست؟ آیا همه زمین است یا منطقه‌ای است که قوم نوح زندگی می‌کردند؟

۳. دیدگاه مفسران در مورد گستره عذاب قوم نوح
مفسران و علماء سه دیدگاه کلی در زمینه گستره طوفان نوح ذکر می‌کنند: ۱. عالم‌گیر بودن، ۲. منطقه‌ای بودن، ۳. نبود نص صریح بر هیچ‌کدام. درباره دیدگاه سوم محمدجواد مغنیه می‌گوید: برخی طوفان نوح را عام می‌دانند و برخی خاص یعنی قسمتی از زمین را در برگرفته است ولی نص صریحی در کتاب خداوند بر هیچ‌کدام وجود ندارد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۳۲/۷). تفسیر نمونه نیز پس از ذکر دلایلی مبنی بر جهانی بودن، احتمال منطقه‌ای بودن را به‌کلی منتفی نمی‌داند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۰۳/۹). در ادامه به بررسی مهم‌ترین دیدگاه‌ها (دیدگاه اول و دوم) پرداخته می‌شود.

دیدگاه اول: عالم‌گیر بودن طوفان نوح

دلایل ایشان به سه نوع دلیل قرآنی، روایی و عقلی و علمی قابل تقسیم است:

الف) دلایل قرآنی

دعوت عام و عذاب عام

علامه طباطبایی از جمله افرادی است که طوفان نوح را عالم‌گیر می‌داند و یکی از دلایل ایشان این است که: «دعوت آن جناب عمومی بوده، قهراً باید عذاب نازل شده نیز عموم بشر را فراگرفته باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۰). ایشان در اثبات عمومیت دعوت

قرن‌ها پس از حضرت نوح مبعوث شدند پیغام الهی در زمان حیات ایشان به همه مردم کره زمین نرسید. اکنون در عصر فناوری باز هم افرادی در نقاط دور از دسترس هستند که شریعت پیامبر اکرم به آنها نرسیده است.

علامه یک احتمال دیگر را نیز می‌توانست ذکر کند که پیامبران تبلیغی در زمان نوح علیه‌السلام بوده که تبلیغ در سایر نقاط زمین را انجام می‌دادند و نزول عذاب الهی تنها شامل گروهی بود که حضرت نوح به‌سوی آنها ارسال شده بود نه گروهی که پیامبران تبلیغی به‌سوی آنها فرستاده شد، مانند عذاب قوم لوط علیه‌السلام که در زمان ابراهیم علیه‌السلام که از پیامبران تشریحی بود، نازل شد و این عذاب به قوم حضرت ابراهیم آسیبی نرساند.

اطلاق واژه «ارض»

خداوند متعال از قول نوح علیه‌السلام می‌فرماید: ﴿...رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا﴾ (نوح/۲۶) کلمه «ارض» در این آیه و نیز در آیه ۴۴ هود اطلاق و عمومیت دارد، یعنی شامل کلیه زمین می‌شود (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۹۱/۷).

نقد: در قرآن کریم، ارض به چند معنا به کار رفته است:

۱. ارض به معنای کره زمین در مقابل آسمان که ۸۰ بار در قرآن آمده است؛ مانند آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾ (هود/۷).

۲. ارض به معنای عالم طبیعت در مقابل «سما» به معنای عالم ماوراء طبیعت که ۲۶۰ بار در قرآن آمده است. مثال: ﴿وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ﴾ (اعراف/۱۷۶)؛ اما او (بلعم باعورا) بر زمین، روی

آورد و از خواهش‌های خویش پیروی کرد و... که در اینجا «أخلد إلى الأرض» به معنای دل‌بستگی به زمین و دنیاست که یک امر قلبی است و براساس این معنا و با این اطلاق، آسمان مادی هم ارض است (مصبح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۳۸-۲۳۹)؛ یعنی آسمان و زمین هر دو جزء دنیاست. مثال دیگر آیه ﴿قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾ (اسراء/۹۵)؛ بگو حتی اگر در روی زمین فرشتگانی زندگی می‌کردند و با آرامش گام برمی‌داشتند، ما فرشته‌ای را به‌عنوان رسول، بر آنها می‌فرستادیم.

چون هدایت کردن و رسول فرستادن از خصیصه‌های زندگی مادی است؛ پس ارض در این آیه به معنای زندگی مادی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۴/۱۳).

۳. ارض به معنای قطعات زمین و آبادی. مکان‌های خاصی مانند مصر، مکه، مدینه و... که ۱۱۰ بار در قرآن آمده است. پس براساس این معنا کلمه «ارض» سرزمین یا وطن معلوم‌الحال است نه کل کره زمین؛ مانند: ۱. ﴿وَ تَكُونُ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ...﴾ (یونس/۷۸) که حکایت خطاب فرعون به موسی است و منظور او سرزمین مصر است؛ ۲. ﴿وَ إِن كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ...﴾ (اسراء/۷۶)؛ در اینجا منظور از کلمه «ارض» شهر مکه است (رشیدرضا، ۱۹۹۹: ۱۰۶/۱۲-۱۰۷)؛ ۳. منظور از کلمه «ارض» در آیه ۴ اسراء و در آیه ۸۳ یونس ﴿وَ إِن فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ﴾ نیز همان سرزمین مصر است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۹۹/۲۰؛ سیوطی و محلی، ۲۰۰۰: ۱۹۳)؛ ۴. در آیه ﴿...مِنْهُمْ مَّنْ حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضِ...﴾

نقد: در قرآن کریم، ارض به چند معنا به کار رفته است:

۱. ارض به معنای کره زمین در مقابل آسمان که ۸۰ بار در قرآن آمده است؛ مانند آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾ (هود/۷).

۲. ارض به معنای عالم طبیعت در مقابل «سما» به معنای عالم ماوراء طبیعت که ۲۶۰ بار در قرآن آمده است. مثال: ﴿وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ﴾ (اعراف/۱۷۶)؛ اما او (بلعم باعورا) بر زمین، روی

بماند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۵۲/۶).

نقد: در آیه ﴿فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ﴾ (مؤمنون/۲۷) و آیه ۴۰ هود کلمه «کل» دائم‌الاضافه است. در این دو مورد، مضاف‌الیه به قرینه حذف شده است. مضاف‌الیه محذوف کلمه «نعم» است؛ یعنی دام خوراکی، چرا که قرآن مجید می‌گوید: ﴿وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ﴾ (زمر/۶) (بهبودی، ۱۳۷۶: ۲۹۹) از ﴿فَاسْلُكْ فِيهَا...﴾ (مؤمنون/۲۷) فهمیده می‌شود که مراد از حیوانات حمل شده در کشتی فقط حیوانات مانوس با اوست که لازم است نسل آنها حفظ شود. چون از معنای لغوی اسلک سهولت و آسانی فهمیده می‌شود که برای تعبیر از سهولت داخل کردن حیوانات در کشتی به کار رفته است (قسم الدراسات، ۲۰۰۹: ۷۹). دانشمندان می‌گویند نوح علیه‌السلام باید ۲۰۰۰۰ گونه جانور خشکی را به‌صورت زوج در کشتی جمع‌آوری کرده و برای هرگونه جانور اتاکی با قفسی جدا و مناسب با اندازه و طبیعت جانور ساخته باشد به‌راستی چه تعداد جانور و چگونه جمع‌آوری شدند؟ آب و غذا چگونه تأمین می‌شد؟ کار جمع‌آوری و هدایت حیوانات کار سختی است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۹). اگر نوح علیه‌السلام می‌خواست انواع نباتات را نیز به کشتی آورد کار او سخت‌تر هم می‌شد چون نباتات نیز بسیار متنوع هستند.

ذریه نوح، تنها بازماندگان طوفان

دو قول اینجا وجود دارد؛ قول اول: نوح ابوالبشر است برای اینکه همه کسانی که باقی ماندند از نسل او بودند. زمانی که نوح از کشتی خارج شد همه کسانی که با او

(عنکبوت/۴۰) که درباره قارون است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۵۴/۳). مفسران اتفاق نظر دارند که عذاب قارون فرو رفتن در بخشی از زمین بود نه همه زمین. قرآن درباره تبعید محاربان می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا... أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ...﴾ (مائده/۳۳)؛ سزای کسانی که با خدا و رسول او به محاربه برمی‌خیزند و در زمین فساد می‌کنند این است که کشته شوند یا از آن سرزمین تبعید شوند. واضح است که محارب را از سرزمین و وطنش تبعید می‌کنند، نه از کره زمین و در آیه ﴿وَنَجِّنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ﴾ (انبیاء/۷۱) منظور از ارض در آیه منطقه شام است.

یکی از دلایل اصلی دیدگاه عالم‌گیر بودن طوفان، اطلاق کلمه ارض در آیه ۲۶ نوح و ۴۴ هود است که در این دو آیه معنای ارض کل کره زمین ذکر شده است درحالی‌که کاربرد قرآنی ارض، منحصر به معنای کره زمین نیست و می‌توان معانی دیگری نیز برای آن ذکر کرد. در این دو آیه مناسب‌ترین معنا، همان معنای سوم یعنی قطعه‌ای از زمین است.

اطلاق واژه «کل زَوْجَيْنِ»

علماء در مورد زوج در ﴿...قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ...﴾ (هود/۴۰) می‌گویند یعنی مذکر و مؤنث از هر نوع از انواع حیوان و نبات، برای اینکه حیات مبنی بر زوجیت است و سخن خدای تعالی است ﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ (یس/۳۶) (منیع القیسی، ۲۰۰۲: ۱۰۸). ابوحیان اندلسی می‌گوید که نوح انواع حیوانات را به کشتی آورد تا نسل آنها بعد طوفان باقی

«آزادشده از غرق» نامیده شد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۵۶/۲).
نقد: در احادیث بیان‌های مختلفی درباره بیت
عتیق خواندن کعبه ذکر شده است از جمله معانی آن
عبارت است از:

۱. آزاد از مالکیت مردم

امام باقر علیه‌السلام با بیانی روشن به این معنا اشاره
دارد: کعبه خانه‌ای است که آزاد از مردم بوده و
هیچ‌کس مالک آن نیست (مجلسی، ۱۳۶۳: ۵۸/۹۶؛
صدوق، ۱۳۸۰: ۳۹۹، روایت ۵)؛ بنابراین تنها خانه‌ای
که روی زمین مدعی از سوی انسان‌ها ندارد کعبه است.
به عبارتی دیگر؛ زمینی که کعبه در آن قرار گرفته و نیز
خود کعبه، برخلاف دیگر اماکن، ملک و مُلک احدی
نبوده و نیست، بلکه آزاد است، نه ملک کسی بوده و نه
تحت سلطه احدی قرار گرفته است، زمین بی‌آب و
گیاهی بود که هیچ‌کس را در آن رغبتی نبود و در آنجا
سکونت نداشت آن‌چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا
إِنِّي أُسْكِنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
الْمُحَرَّمِ...؛ پروردگارا! من بعضی از ذریه خویش را در
دره‌ای غیرقابل کشت نزد خانه حرمت یافته تو سکونت
دادم...﴾ (ابراهیم / ۳۷).

۲. آزادی از جهنم

«آزادی از جهنم» نیز دیگر مصداق بیت العتیق است که
در بعضی از روایات از جمله در الکافی (۱۸۹/۴) به
این نکته اشاره شده است که اگر کسی خانه خدا را در
دنیا زیارت کند و زائر بیت الله الحرام باشد، خداوند او
را از جهنم نجات می‌دهد و برائت از جهنم هدیه او
خواهد بود، پس کعبه باعث برائت از آتش جهنم است

بودند غیر از ذریه‌اش، مردند. قول دیگر: در کشتی نوح
غیر از نسل و ذریه نوح کسی نبود دلیل آن آیه ﴿وَ
جَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ﴾ (صافات/۷۷) است (فخرالدین
رازی، ۱۴۲۰: ۳۶۰/۱۸).

نقد: ممکن است منظور از آیه، انحصاری اضافی
و نسبی و معنایش این باشد که از قوم آن جناب، تنها
ذریه‌اش را باقی گذاشتیم نه از کل ساکنان زمین
(رشیدرضا، ۱۹۹۹: ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۷؛ حبنکه المیدانی،
۱۹۹۰: ۷۳). اگر از آیه ۷۷ صافات انحصار فهمیده
شود آن‌گونه که مفسران گفته‌اند و تنها باقی‌ماندگان را
فرزندان نوح علیه‌السلام بدانیم با آیه ﴿ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا
مَعَ نُوحٍ...﴾ (اسراء/۳) هماهنگ نخواهد بود زیرا
مؤمنان نیز با نوح بودند (براساس آیه ۴۰ هود) و در
این آیه از فرزندان آنها نیز سخن می‌گوید. قول دوم
فخر رازی مخالف آیه ۴۰ هود است و دلیل منطقی و
روایی برای قول اول؛ مبنی بر مرگ همراهان نوح غیر
از فرزندان هنگام خروج از کشتی وجود ندارد.

(ب) دلایل روایی

وجود برخی روایات ثابت‌کننده، عالم‌گیر بودن طوفان
نوح است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

روایتی درباره خانه کعبه و بیت عتیق خواندن آن

حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: قبه‌ای که خداوند
متعال برای آدم نازل کرده بود تا زمان نوح علیه‌السلام
هم‌چنان برپا بود ولی در روزگار طوفان نوح علیه
السلام هنگامی که آب روی زمین را فرا گرفت خداوند
آن قبه را به آسمان برد و «مکه» در آن جریان غرق
نشد و به همین مناسبت بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ یعنی سرزمین

و به همین دلیل به آن «بیت العتیق» گفته‌اند.

۳. دیگر معنایی که برای عتیق بیان شده است و

معروف‌تر و مشهورتر بین عموم مردم نیز هست، معنای «قدیم و کهن» است این مضمون در روایات هم آمده است امام باقر علیه‌السلام در مسجدالحرام نشسته بودند که از ایشان درباره بیت عتیق سؤال شد و فرمودند: خداوند کعبه را قبل از خلقت زمین آفرید، سپس به آفرینش زمین پرداخت و زمین را از زیر آن گستراند (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۸۹/۴).

در بیان السعادة فی مقامات العبادة نیز این مفهوم

بیان شده است: «العتیق بیت قدیم، چون بیت الله در ظاهر اولین بیت است که برای مردم وضع شده است» (گنابادی، ۱۳۴۴: ۷۱/۱۰).

براساس معانی ذکر شده درباره بیت العتیق،

معنای آزاد شده از غرق، یکی از احتمالات ضعیف این معنا است.

روایاتی در مورد حیوانات و جانوران موجود در کشتی

- وهب بن منبه گفت: زمانی که خداوند تعالی به نوح دستور حمل «زوجین اثین» داد. نوح گفت: با شیر و گاو چه کنم؟ و با سگ و گرگ چه کنم؟ و با کبوتر و گربه چه کنم؟ خداوند تعالی به او فرمود: چه کسی بین آنها دشمنی قرار داده؟ گفت: ای پروردگار! تو. گفت: پس من بین آنها دوستی قرار می‌دهم تا به همدیگر ضرر نزنند. پس نوح در طبقه اول چهارپایان و حیوانات وحشی را قرار داد. پس خداوند برای شیر، گوشت انداخت و شیر را از چهارپایان و گاو، به خودش مشغول ساخت (تعلبی، ۱۹۹۴: ۵۷).

- امام صادق علیه‌السلام فرمود: قوم نوح به نوح

علیه‌السلام از موش شکایت کردند. پس خداوند به شیر دستور داد. پس عطسه کرد و گربه (از بینی او) افتاد و موش را خورد و از نجاسات به او شکایت کردند. پس خداوند به فیل امر کرد که عطسه کند پس عطسه کرد و خوک (از بینی او) افتاد (راوندی، ۲۰۰۵: ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۰/۳).

- از ابن عباس روایت شده است: اولین پرنده‌ای که داخل شد طوطی بود و آخرین حیوانی که داخل شد الاغ بود و ابلیس به دم الاغ چسبیده بود (ابن کثیر، ۲۰۰۱: ۱۲۸/۱).

- امام صادق علیه‌السلام فرمود: نوح، سگ را در کشتی حمل کرد و زنازاده را حمل نکرد (عیاشی، ۱۴۲۱: ۱۴۸/۲).

ارزیابی: در نقد این دسته روایات سخنان زیادی ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود. ابوالفتوح رازی می‌گوید: چطور می‌توان پذیرفت که ابلیس از ترس غرق شدن به کشتی نوح پناه برده باشد؟ حال آنکه اصلاً ابلیس از آب زیان نمی‌بیند و غرق نمی‌شود و هلاک به آب، مخصوص حیوانات عنصری است (رازی، ۱۳۵۶: ۲۷۳). ابن عطیه در تفسیر خود به مطالبی که برخی مفسران در مورد حیواناتی که وارد کشتی شدند اشاره می‌کند و در انتهای سخنش می‌گوید همه اینها داستان‌هایی هستند که صحیح نیستند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۱۷۲/۳).

از آنجا که سند برخی از روایات به اسرائیلیات پردازانی چون وهب بن منبه منتهی می‌شود به‌وضوح نقش‌آفرینی آنها در پردازش داستان‌هایی روشن می‌شود که متأسفانه مفسرانی چند، بدون هیچ نقد و نقیبی بر این داستان‌ها، تفاسیر را از چنین ترهاتی

قله کوهها دلیل عالم‌گیر بودن طوفان می‌داند. از نظر ایشان وقتی آب کل قله‌ها را بیوشاند دلیلی است بر اینکه طوفان کل کره زمین را فرا گرفته است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۳۱۸/۱۴).

دیدگاه دوم: محلی بودن طوفان

دلایل دیدگاه دوم در قالب دلایل قرآنی، روایی و علمی و عقلی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

الف) دلایل قرآنی

استعمال لفظ قوم

استعمال لفظ قوم در آیات قرآن در مورد قوم نوح بیانگر آن است که دعوت عام نبوده و تنها به قوم ایشان اختصاص داشته است. چهار بار تکرار ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ﴾ دلیل بر این است که نوح به سوی قومش ارسال شده نه برای عالم. اصولاً دعوت انبیاء از منطقه قومی خویش شروع می‌شود و چون مورد پذیرش واقع شود و همگان در برابر قانون خدا تسلیم شوند، آنگاه نوبت به اقوام همسایه می‌رسد که دعوت شوند و ایمان بیاورند. نوح، هود، صالح، لوط و همه پیامبرانی که دعوتشان مورد پذیرش عمومی قرار نگرفت و در نتیجه اقوام آنان با عذاب الهی نابود شدند، نوبت به اقوام همسایه نرسیده تا چه رسد به عموم عالم و جهان بشریت در همه قاره‌ها و مناطق مسکونی (بهبودی، ۱۳۷۶: ۳۰۰).

۹ آیه به صورت «یا قوم» خطاب آن قوم نوح بوده است: مانند آیه ۲۹ هود. مجموعه‌ای از آیات وجود دارد که بیان می‌کند قومش مخاطبان رسالت هستند؛ ﴿قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون﴾ (شعراء/۱۱۷).

انباشته ساختند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۷۶). دکتر ابوشهبه در مورد این روایات می‌گوید: آنچه در مورد طول و عرض و ارتفاع کشتی آمده، آنچه در مورد خلقت حیوانات از بعضی دیگر آمده و... از خرافات و اباطیلی است که اهل کتاب در بین مسلمانان منتشر کرده‌اند (ابوشهبه، ۱۴۰۸: ۲۱۶-۲۱۸).

از اسماعیل بن جعفر جعفی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که حضرت نوح از هر جفت از ازواج هشت‌گانه که در آیه ﴿تَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ...﴾ (انعام/۱۴۳) آمده است در کشتی حمل کرد (عباشی، ۱۴۲۱: ۳۰۸/۲). این روایت مخالف روایات اسرائیلی است. روایت زنا مخالف آیه ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (فاطر/۱۸) است و جعلی بودن این روایات آشکار است.

ج) دلایل عقلی و علمی

بحث زمین‌شناسی

ریزش باران در اوایل دوره حاضر از ادوار حیات بشر که همان دوره وقوع طوفان باشد ریزشی غیرعادی بوده زیرا ریزش باران به‌طور عادی، طوفانی پدید نمی‌آورد که همه کره زمین را غرق کند و قطعاً ریزش باران در آن دوره ناشی از تغییرات جوی مهمی بوده که آن تغییرات نیز به‌طور قطع، خارق‌العاده بوده است... می‌توان این ریزش غیرعادی را با آیه ﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ...﴾ (قمر/۱۱-۱۲) تطبیق دهیم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/۴۰۰).

وجود صدف و حیوانات دریایی در قله کوهها
صادقی تهرانی وجود صدف‌ها و حیوانات دریایی را در

ج) دلایل عقلی و علمی

سرزمین نوح، تنها منطقه مسکونی روی زمین ظواهر آیات با کمک قرائن و تقلیدهایی که از یهود و نصاری قدیم به ارث مانده دلالت دارد بر اینکه در دوران نوح روی کره زمین غیر از نقطه‌ای که قوم نوح بودند، هیچ نقطه دیگری مسکونی نبوده و جمعیت بشر منحصر بودند در همان قوم نوح که آنها هم در حادثه طوفان هلاک شدند و بعد از آن حادثه به جز ذریه آن جناب کسی نماند و این احتمال اقتضاء دارد که طوفان تنها در قطعه زمینی واقع شده باشد (رشیدرضا، ۱۹۹۹: ۱۰۶/۱۲-۱۰۷).

بحث زمین‌شناسی

آثار کشف‌شده و معلومات ژئولوژی روشن می‌کند که علی‌الراحج طوفان در منطقه دجله فرات از عراق قدیم رخ داده است (عبدالرزاق، ۲۰۱۱: ۵۳). مقدار آب‌های دریاها و ابرهای آسمان به حدی نیست که بتواند کوه‌ها را بیوشاند چون اول باید دریاها پر شوند، باید گفت: خدا از کرات دیگر آب فرستاده است، این هم بسیار بعید است و انگهی منظور غرق شدن آن قوم بود دیگر حاجت نبود که کوه‌ها در زیر آب بمانند مگر آنکه بگوییم در زمان نوح علیه‌السلام خشکی روی زمین فقط به مساحتی مثلاً مانند استان «گیلان» بود و قاره‌ها پیدا نشده بودند و همان مقدار نیز غرق شده و همه از بین رفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۵۷/۹).

نبود وسایل برای راحتی در سفر به نقاط دور دست این نکته نیز قابل توجه است که طوفان نوح به‌عنوان مجازات آن قوم سرکش بود و ما هیچ دلیلی در دست

همه الفاظ تأکید می‌کند که قضیه بین او و بین قومش بود. تکرار لفظ «قوم نوح» ۱۱ مرتبه در قرآن در صف اقوام دیگر مثل عاد و ثمود و لوط ﴿وَ يَأْقَوْمٍ لَّا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ﴾ (هود/۸۹)؛

پس قوم نوح مانند دیگر اقوام در مناطق جغرافیایی محدود زندگی می‌کرده و در تکذیب رسل و طغیان با دیگر اقوام متشابه بودند (قسم الدراسات، ۲۰۰۹: ۷۴-۷۵).

جانشینی عاد در سرزمین قوم نوح

﴿وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ﴾ (اعراف/۶۹) این آیه می‌رساند که عاد بعد از انقراض قوم نوح، در جای آنان مستقر شدند و عاد در یک منطقه زمین زندگی کردند (بهبودی، ۱۳۷۶: ۲۹۸؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۲۴/۷) به این معنا است که قوم نوح در کل کره زمین ساکن نبودند بلکه در منطقه محدودی بودند.

ب) دلیل روایی

روایتی که بیان می‌کند منظور از ذریه‌ای که باقی ماندند، ماندگاران بر پیامبری هستند.

- در روایت ابی‌جارود از امام باقر علیه‌السلام ذیل آیه ﴿وَ جَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ﴾ نقل شده است که فرمود: یعنی ماندگاران بر حق و پیامبری و کتاب و ایمان از نسل اول. وگرنه هرکه از فرزندان آدم در زمین است از نسل نوح نیست و سپس به آیه ﴿ذُرِّيَّةَ مَن حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ...﴾ (اسراء/۳) استدلال فرمود (قمی، ۱۳۸۸: ۲۲۳/۲).

نداریم که دعوت نوح به سراسر زمین رسیده باشد، اصولاً با وسایل آن زمان رسیدن دعوت یک پیامبر (در عصر خودش) به همه نقاط، بسیار بعید به نظر می‌رسد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۰۴/۹).

تعداد زیاد حیوانات

بنا بر آنکه طوفان عالم‌گیر باشد باید گفت نوح علیه‌السلام از همه حیواناتی که در آب زندگی نتواند کرد یک جفت به کشتی سوار کرده تا نسل آنها از بین نرود، در این صورت آن‌همه حیوانات را از کجا جمع کرد؟! چطور غذا در کشتی برای آنها تهیه شد؟! (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۲۵/۷؛ سبحانی، ۱۳۴۹: ۴۰). آلوسی از برخی افراد نقل قول می‌کند که طوفان را فراگیر نمی‌دانند و می‌گویند که نوح دستور یافت آنچه بدان‌ها محتاج بود و بعد نجات نیاز داشت به کشتی ببرد نه حیواناتی مانند موش و حشرات (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۴/۶).

عدم امکان پراکندگی ابناء آدم بر روی کره زمین در فاصله کوتاه بین آدم و نوح

در روایات آمده است که نوح در سالی متولد شد که آدم در آن سال وفات یافت (طبرسی، ۱۳۶۰: ۶۶۹/۴). از دیگر سو، طبق حدیث مروی از امام باقر علیه‌السلام، عمر آدم ۹۳۰ سال بوده است (مجلسی، ۱۳۶۳: ۷۵/۱۰). هم‌چنین بین آدم و نوح ده پشت واسطه ذکر شده است که جملگی پیامبر بودند (همان: ۴۴/۱۱): «نُوحُ بْنُ لَمَكَانَ بْنِ أَحْنُوْحٍ وَ هُوَ إِدْرِيسُ بْنُ مَهْلَائِيلَ بْنِ زِيَادِ بْنِ قَيْنَانَ بْنِ أَنْوَشَ بْنِ شَيْثٍ وَ هُوَ هِبَةُ اللَّهِ بْنِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (همان: ۱۰۸/۱۵). طوری این فاصله کم بود که آدم بشارت ظهور نوح را به هبه الله داده بود و

گفت هرکدام از شما او را درک کردید ایمان بیاورید و پیروی کنید و تصدیق نمایید چون او موجب نجات از غرق می‌شود (همان: ۴۴/۱۱). بر این اساس، گفته شده است که مدت بین هبوط آدم تا شروع طوفان ۲۰۸۰ سال بوده است (شهرستانی، ۱۹۱۷: ۲۳۶/۸). هم‌چنین، بر وفق سنت عبرانی، فاصله بین خلقت آدم تا طوفان ۱۶۵۶ سال، بر وفق سنت یونانی ۲۲۶۲ سال و بر وفق سامری ۱۳۰۷ سال بوده است. طبیعی است که در هیچ‌کدام از فاصله‌های مذکور امکان تکثیر بنی‌آدم و پراکندگی آنها در سطح کره زمین وجود ندارد. وفات آدم، اولاد و احفاد او را چهل هزار ذکر کرده‌اند (طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۸/۵).

۴. دیدگاه برگزیده

دیدگاه برگزیده، محلی بودن طوفان نوح است. این آیه ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا﴾ (نوح/۵) دلالت بر حضور دائمی حضرت نوح بین قوم خود دارد همان‌طور که علامه می‌گوید دعوت شب و روز کنایه از دائمی بودن دعوت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۴/۲۰). دعوت دائمی نشان از سکونت ایشان در یک منطقه محدود بوده است. ارسال نماینده از طرف ایشان به همه نقاط زمین نیز منتفی است، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَ مَاءَ أَمْنٍ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (هود/۴۰). اگر فرمود: «إِلَّا قَلِيلٌ» و نفرمود: «إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ»، برای این بود که بفهماند ایمان‌آوردگان، فی‌نفسه اندک بودند نه در مقایسه با قوم، چون در مقایسه با همه قوم بسیار اندک بودند، به حدی که نمی‌شد گفت این چند نفر اندک از آن قوم‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۱/۱۰). بنا بر آنچه پیش‌تر گفته شد باید گفت که غیر از قوم نوح، انسانی

زیرا معلوم نیست، که آنها در اثر طوفان پدید آمده باشند؛ بلکه به احتمال قوی در اثر پیدایش کوه‌ها در آب‌ها بوده است (بی‌آزارشیرازی، ۱۳۸۰: ۴۰-۴۱).

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه آنکه طوفان آن‌چنان‌که در تورات آمده است کل کره زمین را فرا نگرفته، بلکه براساس دلایل قرآنی، روایی، عقلی و تاریخی، آن حادثه‌ای محلی و شامل صرفاً منطقه محل زندگی قوم نوح بوده است. دیدگاه برخی مفسران نیز متأثر از خرافات اسرائیلی بوده باعث تشویه چهره نورانی قرآن شده است (معرفت، ۱۳۸۵: ۴۵۴). داستان تورات کنونی با اسطوره‌های بابلی ممزوج شده است و به همین دلیل تفاوت‌های بنیادینی بین قرآن و تورات در نقل ماجرای طوفان نوح علیه‌السلام وجود دارد. ناسازگاری‌های درونی، اخلاقی، عقلی، ناسازگاری با مبانی الهیاتی و بحث منبع داستان طوفان، نقدهای به نقل داستان در تورات است.

منابع

- قرآن کریم.
- کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۸۰ش).
- ترجمه فاضل خان همدانی ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: اساطیر.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌کثیر دمشقی (۲۰۰۱م). البدایة و النهایة. بیروت: المكتبة العصرية.

دیگر در روی زمین نبوده است. در نتیجه طوفان شامل تمام انسان‌ها شد که آنها منحصر در قوم نوح بودند و تنها منطقه زندگی این قوم به زیر آب رفته است. یا افراد دیگری در مناطقی غیر از محل سکونت قوم نوح بودند که از اقوام پیامبران تبلیغی بودند مانند حضرت لوط که هم‌زمان با ابراهیم علیه‌السلام در قرآن کریم ذکر شده است. با وجود اینکه حضرت ابراهیم از پیامبران اولوالعزم بود براساس آیه ﴿وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ﴾ (حج/۴۳) قوم لوط غیر از قوم ابراهیم نامبرده شده است و عذاب الهی تنها شامل قوم لوط علیه‌السلام شد. پس می‌توان گفت عذاب الهی تنها شامل قوم نوح علیه‌السلام شده است نه اقوام پیامبران تبلیغی دیگر.

رشیدرضا پس از بیان اینکه در قرآن نص قاطعی بر عالم‌گیر بودن طوفان نیامده است، اظهار می‌دارد اگر عمومیتی در برخی آیات به نظر می‌رسد، منظور تمام سرزمین‌هایی است که قوم ستمکار نوح در آن بوده‌اند و هیچ دلیلی نیست که قوم نوح سراسر زمین را پر کرده باشند (رشیدرضا، ۱۹۹۹: ۱۰۶/۱۲-۱۰۹).
 کما اینکه ویلیام ویلکوکس و لئونارد وولی در تحقیقات باستان‌شناسی خود نیز به این نتیجه رسیده‌اند که طوفان نوح عالم‌گیر نبوده، بلکه سیل عظیمی در وادی دجله و فرات طغیان کرده و تمامی منطقه میان کوه‌ها و صحراها را غرق کرده است. این منطقه نسبت به ساکنین آن به‌مثابه همه دنیا بوده است. از نظر برخی باستان‌شناسان مساحت طوفان در حدود ۴۰۰ مایل طول (۶۵۰ کیلومتر) و ۱۰۰ مایل عرض (۱۵۰ کیلومتر) و این کافی است که تمامی منطقه را در خود بیوشاند و اینکه بعضی وجود صدف‌ها و حیوانات دریایی را در قتل کوه‌ها دلیل بر جهانی بودن طوفان گرفته‌اند، صحیح نیست،

- ابوشهبه، محمد (۱۴۰۸ق). *اسرائیلیات و الموضوعات فى كتب التفسیر*. قاهره: مكتبة السنة.
- اندلسی، ابوحيان (۱۴۲۰ق). *البحرالمحيط فى التفسیر*. بيروت: دارالفکر.
- بخارى، محمد (بى تا). *صحيح بخارى*. رياض: مركز الدراسات و الاعلام.
- برليتز، چارلز (۱۳۷۱ش). *كشتى گمشده نوح*. ترجمه احمد اسلاملو. تهران: انتشارات كوشش.
- بهبودی، محمدباقر (۱۳۷۶ش). «بازنگری تاریخ انبیاء در قرآن». *مجله پژوهش‌های قرآنی*. شماره ۱۱ و ۱۲.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۹ش). «كشوف كشتى نوح در جودى». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. شماره ۱۳. صص ۱۹-۳۴. تهران.
- _____ (۱۳۸۰). *باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیومی مهران، محمد (۱۳۸۳ش). *بررسی تاریخی قصص قرآن*. مترجم مسعود انصاری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثعلبی (۱۹۹۴م). *قصص الانبیاء*. بيروت: دارالکتب العلمیة.
- حبنکه الميدانی، عبدالرحمن (۱۹۹۰م). *نوح علیه السلام و قومہ فى القرآن المجید*. دمشق: دارالقلم.
- حسینی، سید حسن (۱۳۷۹ش). «توفان نوح در اساطیر بین‌النهرین و تورات». *مجله هفت آسمان*. شماره ۶. صص ۱۶۵-۱۸۲.
- خالدی، صلاح (۲۰۱۱م). *القصص القرآنی*. عرض وقائع و تحلیل احداث. دمشق: دارالقلم.
- رازی، ابوالفتح (۱۳۵۶ش). *تفسیر ابوالفتح رازی*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- راوندی، قطب‌الدین (۲۰۰۵م). *قصص الانبیاء*. قم: محبین.
- رشیدرضا، محمد (۱۹۹۹م). *تفسیر المنار*. بيروت: دارالکتب العلمیة.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بيروت: دارالکتب العربیة.
- سحابی، یدالله (۱۳۴۹ش). «طوفان نوح از نظر تورات و قرآن مجید». *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*. شماره ۱. صص ۳۴-۴۰.
- سید قطب (۱۳۸۶ش). *فى ظلال القرآن*. ترجمه دکتر مصطفی خرم‌دل. تهران: احسان.
- سیوطی، جلال‌الدین؛ محلی، جلال‌الدین (۲۰۰۰م). *تفسیر جلالین*. تنسیق ابوفارس الدحداح. بيروت: مکتبة لبنان ناشرون.
- سیوطی، جلال‌الدین (بى تا). *الدرالمنثور فى التفسیر بالمأثور*. بيروت: دار المعرفة.
- شهرستانی، ابوالفتح (۱۹۷۲م). *الملل والنحل*. لبنان: دارالمعرفة للطباعة و النشر.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش). *الفرقان فى تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۰). *علل الشرايع*. ترجمه: محمد ذهنی تهرانی. قم: مؤمنین.
- طباطبایی، محمدحسین (۲۰۰۲م). *تاریخ الانبیاء*. بيروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- _____ (۱۳۷۴ش). *المیزان فى تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین

- حوزه علمیه قم. دارالحدیث.
- طبرسی، فضل (۱۳۶۰ش). ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، محمد (۱۴۰۶ق). جامع‌البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش). اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- عبدالرزاق الراوی، عبدالوهاب (۲۰۱۱م). طوفان نوح بین الاساطیر و الآثار و القرآن. دمشق: دارسعدالدین.
- عقیل، حسین (۲۰۱۱م). نوح من وحی القرآن. دمشق: دار ابن کثیر.
- عیاشی، محمد (۱۴۲۱ق). التفسیر للعیاشی. قم: مؤسسه البعثة.
- فخرالدین رازی، محمد (۱۴۲۰ق). مفاتیح‌الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فقیه، احمد (۲۰۰۷م). سفینه نوح لا تزال تتحد الزمن. بیروت: دار الهادی.
- قاسمی، حمید (۱۳۸۳ش). اسرائیلیات و تأثیر آنها بر داستان‌های انبیاء در تفاسیر قرآن. تهران: سروش.
- قسم الدراسات و البحوث فی جمعیة التجدد الثقافیة الاجتماعیة (۲۰۰۹م). طوفان نوح بین الحقیقه و الاوهام. سوریه: دار کیوان.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد (۱۴۲۳ق). جامع لاحکام القرآن. تهران: حوزه علمیه قم.
- قمی، علی (۱۳۸۸ش). تفسیر قمی. قم: بنی الزهراء.
- کریمی، حمید (۱۳۸۹ش). «بررسی مسأله جهانی بودن رسالت موسی و عیسی علیه‌السلام از نگاه قرآن و عهدین». مجله اندیشه نوین دینی. شماره ۲۲. صص ۱۱۵-۱۳۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). اصول و فروع کافی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
- گنابادی، محمد (۱۳۴۴ش). بیان السعادة فی مقامات العبادة. تهران: انتشارات حقیقت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۰ش). تاریخ پیامبران. قم: انتشارات سرور.
- _____ (۱۳۶۳). بحار الانوار. تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). معارف قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۵ش). نقد شبهات پیرامون قرآن کریم. قم: تمهید.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- منیع القیسی، عودة الله (۲۰۰۲م). الاعجاز اللغوی فی قصص نوح علیه‌السلام فی القرآن الکریم. عمان: دارعمار.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان. تهران: انتشارات اسلامیة.